

## تحلیلی بر اثرگذاری ابعاد مدیریت شهری بر شاخص‌های زیست‌پذیری شهری (مطالعه موردی: شهر شهرکرد)

پژمان محمدی - دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران  
یوسفعلی زیاری\* - دانشیار رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران  
علی توکلان - استادیار رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۷

### چکیده

ضرورت و اهمیت پرداختن به زیست‌پذیری شهری در ارتباط با وظایف جدید برنامه‌ریزی و مدیریت در پاسخ‌دهی به نیازهای جامعه پس از صنعتی‌شدن - که شدیداً در جست‌وجوی امکانات و تسهیلات و کیفیت زندگی است - به شدت افزایش یافته است. هدف از پژوهش حاضر تحلیل نقش مدیریت شهری در زیست‌پذیری شهرکرد است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف (نوع استفاده) کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری مورد پژوهش شامل ساکنان شهرکرد است و محدوده آماری کل منطقه دربردارنده شهرکرد است. تعداد جامعه آماری پژوهش برابر با ۱۶۰۰۰۰ و تعداد نمونه برابر ۳۸۳ نفر است که براساس فرمول کوکران و به شیوه تصادفی در دسترس تعیین شده‌اند. داده‌های گردآوری شده براساس مدل رگرسیون در محیط نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که، در کل، مدیریت شهری اقدام متناسبی در زمینه زیست‌پذیری شهری در شهرکرد انجام نداده است. در سایر ابعاد زیست‌پذیری مشاهده شد که مدیریت شهری بر شاخص اقتصادی تأثیرگذار بوده است که به نسبت خوب است و نشان‌دهنده اقدام مدیریت در بهبود وضعیت اقتصادی است. از طرفی، مدیریت شهری بر شاخص اجتماعی نیز با میزان معناداری پایین تأثیرگذار بوده است و نشان‌دهنده اقدامات نه‌چندان چشم‌گیر مدیریت شهری شهرکرد در بهبود وضعیت اجتماعی شهر است که البته باید در این زمینه اقدامات بیشتری انجام گیرد. از طرفی، مدیریت شهری بر شاخص زیست‌محیطی تأثیرگذار نبوده است و این نشان از این دارد که مدیریت شهری در راستای بهبود وضعیت زیست‌محیطی شهر اقدامات متناسبی انجام نداده است.

کلیدواژه‌ها: زیست‌پذیری، شهر، شهرکرد، مدیریت شهری.

## مقدمه

امروزه، مسائل شهر و شهروندی به مهم‌ترین مسائل مؤثر در ابعاد کمی و کیفی زندگی انسان تبدیل شده است. پیش از این دوره نیز شهر در مفهوم عام آن اهمیت داشت، اما در دوران معاصر این اهمیت توسط طیف وسیع‌تری از مردم و نیز طیف فراتری از متخصصان ادراک شده است. از این رو، پرداختن به تئوری‌های جدید شهر، که هر یک با هدف حل مشکلات شهری، بهبود وضعیت کیفی و کمی زندگی شهروندان در شهرها، ارتقای کیفیت محیط شهر، مدیریت شهر، پیشبرد شهر به سوی مطلوب‌تر شدن، و ... مطرح شده‌اند، بیش از پیش مهم است. بر این اساس، زیست‌پذیری یکی از مباحث و تئوری‌های اخیر در برنامه‌ریزی شهری است که مانند دیگر تئوری‌های نوین مثل شهر توانا، شهر خلاق، شهر پایدار، شهر تاب‌آور، ما را به سوی داشتن شهری مطلوب‌تر برای زندگی و توسعه شهری پایدار رهنمون می‌سازد (بندراآباد، ۱۳۹۰: ۳). تمرکز بالای مردم در مناطق کوچک رفاه اقتصادی، اجتماعی، و محیطی را تهدید می‌کند و جمعیت در حال رشد روی این سیستم فشار می‌آورد و اگر این خطر به‌طور مناسب مدیریت نشود، در بلندمدت پایداری و شرایط مطلوب شهر را به خطر می‌اندازد. روی آوردن به موضوع کیفیت زندگی در شهرها ضروری است و همین‌طور بهداشت و رفاه باید مدنظر قرار گیرد تا معضلات شهرها حل شود. زیست‌پذیری یک مفهوم کلی است که با تعدادی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر مانند پایداری، کیفیت زندگی، و کیفیت مکان و اجتماع‌های سالم در ارتباط است. امروزه، شهرها با چالش‌های بسیاری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی مواجه شده‌اند. در عین حال، افزایش جمعیت به همراه نسبت روزافزون شهرنشینی پیامدهای زیان‌باری برای شهرها به ارمغان آورده است. تداوم این‌گونه رشد شهرنشینی با مشکلات اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، و زیست‌محیطی بحران‌آفرین است و هشدار می‌دهد که ناپایداری شهر. در این میان مشکلاتی دیگر همچون انواع آلودگی‌ها، ترافیک، و مسائل و مشکلات روانی کیفیت زندگی و به تبع آن زیست‌پذیری در شهرها را به شدت کاهش می‌دهد. بنابراین ضرورت و اهمیت بحث توسعه پایدار و زیست‌پذیری امروزه در شهرها کاملاً نمایان است. زیست‌پذیری و توسعه پایدار مفاهیم و رویکردهایی هستند که در نهایت شهری به‌دوراز انواع آلودگی‌ها، ترافیک، مشکلات زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی، و کالبدی را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد (جعفری اسدآبادی و عزیز، ۱۳۹۳: ۱).

شهرنشینی، به‌عنوان دومین انقلاب در فرهنگ انسان، باعث دگرگونی در روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر شده و با افزایش جمعیت شهرنشین بهره‌برداری از محیط تشدید می‌شود. با رشد سریع شهرنشینی و افزایش مشکلات در زمینه مسکن، ایجاد اشتغال و درآمد، تأمین بهداشت عمومی و سلامت جسمی و روانی، افزایش مشکلات محیط زیست، از بین رفتن منابع در شهرها، و افزایش دامنه هنجارهای اجتماعی در شهرها عرصه زندگی سالم بر انسان‌ها تنگ می‌شود و ضرورت تلاشی همه‌جانبه برای نجات شهر و سالم کردن آن بیش از پیش احساس می‌شود. با گذشت زمان در پاسخ به بحران‌های موجود در شهرها نظریه‌ها و رویکردهای مختلفی برای خروج از این مسائل ارائه شد. یکی از این نظریه‌ها رویکرد شهر زیست‌پذیر است. به‌طور کلی، شهر زیست‌پذیر شامل مجموعه متنوعی از موضوعات مختلف است که به‌وسیله یک سری اصول بیان می‌شود که مشتمل بر دسترسی، برابری، و مشارکت بوده که مفاهیم مربوط به زیست‌پذیری است و بر مبنای آن‌ها شکل می‌گیرد. امروزه، درصد جمعیت شهرنشین جهان روزبه‌روز در حال افزایش است و بهبود کیفیت زندگی در فضاهای شهری برای کاهش آثار و ابعاد پیامدهای ناگوار شهرنشینی یکی از اهداف برنامه‌ریزان و مدیران شهری است. در واقع، شهرها به‌عنوان عرصه‌های شکل‌گیری و رشد مداوم فرصت‌ها و تهدیدهایی به‌شمار می‌آیند که بر کیفیت زیست و نحوه تأمین نیازهای ساکنان خود تأثیر می‌گذارند. سکونتگاه زیست‌پذیر در واقع اشاره به ایجاد فضایی مناسب برای فعالیت‌های مختلف انسانی اعم از کار، تفریح، زندگی، و ... دارد. هرچه شرایط،

کیفیت، شاخص‌ها، و خدمات ارائه‌شده با نیازهای شهروندان منطبق‌تر باشد، میزان زیست‌پذیری فضای شهری بالاتر خواهد بود (صادق‌لو و سجاسی قیداری، ۱۳۹۲: ۴).

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد از یک سو ضرورت و اهمیت پرداختن به زیست‌پذیری شهری در ارتباط با وظایف جدید برنامه‌ریزی و مدیریت در پاسخ‌دهی به نیازهای جامعه پس از صنعتی‌شدن، که شدیداً در جست‌وجوی امکانات تسهیلات و کیفیت زندگی است، به‌شدت افزایش یافته است و از سوی دیگر زیست‌پذیری به جهت تهدیدهای پیش روی زندگی شهری امروز نیز اهمیتی دوچندان یافته است. ویلر در پژوهش خود در کالیفرنیا تهدیدهای متعدد از میان‌برنده کیفیت زندگی شهری را، که به‌صورت رشد شهری، ازدحام و شلوغی، کمبود فضاهای باز، کمبود خانه‌سازی در حد استطاعت، رشد بی‌عدالتی اجتماعی، و از دست دادن هویت کالبدی، حس مکان و زندگی اجتماعی تجلی یافته است را بیان کرده است (ویلر، ۲۰۰۱)؛ امری که امروزه در بسیاری از شهرها از جمله در شهرکرد دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که ساخت‌وساز به شیب تپه‌ها و ارتفاعات کشیده شده است و این امر هدایت روان آب‌ها، ایجاد فضای سبز، و ارائه سرانه‌های مختلف را با مشکل مواجه کرده است. شهرکرد در سرشماری سال ۱۳۸۵ دارای ۱۲۶۷۴۶ نفر جمعیت بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۱۵۹۷۵۵ نفر افزایش یافته است؛ این امر بیانگر رشد ۲۶,۰۴ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) که از نرخ رشد بسیاری از شهرهای ایران بیشتر بوده و این امر بیانگر جمعیت‌پذیری این شهر است که رشد سریع آن مشکلات عدیده‌ای را در زمینه زیست‌پذیری آن سبب خواهد شد و باید براساس برنامه‌ریزی و مدیریت جامع و اثرگذار نسبت به افزایش میزان زیست‌پذیری آن در آینده اقدام کرد و در حال حاضر نیز با مشکلات اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی روبه‌روست که کمبود فضای مناسب و هموار برای ساخت و ساز و وجود محلاتی که در شیب ساخته شده‌اند، همچون محله‌های ۳۲ و ۳۳ شهرکرد، زمینه را برای عدم ارائه متناسب خدمات و تسهیلات فراهم کرده است. نبود یک برنامه‌ریزی درست و منطقی این شهر را در آینده‌ای نه‌چندان دور به شهری تبدیل خواهد کرد که حتی زیستن در آن دچار مشکل خواهد بود. بنابراین، ضرورت و اهمیت بحث زیست‌پذیری در شهر شهرکرد به‌طور روزافزونی ناشی از افزایش آگاهی نسبت به الگوهای ناپایدار زندگی و مصرف شهری است که نه سالم‌اند نه پایدار و در درازمدت موجب کاهش منابع محیطی شهرکرد و اطراف آن خواهد شد که بخش بزرگ آن ناشی از عدم برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح است. به‌طور مثال، احداث ساختمان‌ها در منطقه میرآباد شهرکرد در شیب واقع شده و در شهری که بیشتر ایام سال به‌علت سرما درگیر یخبندان است شاهد سُرخوردن عابران و خودروها در سطح خیابان‌ها بوده و ماجرا بعد از یک یا دو روز پس از بارش برف با یخ‌زدگی معابر مشکلات دیگری را نشان می‌دهد که گلابه عابران و ساکنان این محلات را در پی دارد و این امر نیز به‌دلیل عدم جدول‌کشی مناسب و رهاسازی آب باران و برف در سطح معابر است.

با اجرای پژوهش حاضر برنامه‌ریزان و کارشناسان ضرورت توسعه متعادل را به دلایل مختلفی مطرح خواهند کرد: اول، تأمین عدالت اجتماعی به‌منظور برخورداری عادلانه و مناسب مناطق مختلف از امکانات؛ دوم، ملاحظات سیاسی به‌عنوان عاملی برای کاهش ناآرامی‌های سیاسی؛ سوم، ملاحظات اقتصادی و اجتماعی که باعث جلوگیری از مهاجرت و تمرکز می‌شود. ایجاد رفاه، رفع فقر، کاهش محرومیت، تأمین عدالت اجتماعی، و عدالت منطقه‌ای در برنامه‌های توسعه‌ای شهر موردتوجه قرار گرفته و مدیریت شهری ملزم به کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای از طریق تهیه طرح‌های آمایش شده است. به‌نظر می‌رسد توسعه زیست‌پذیری شهرکرد، به‌رغم اجرای چند برنامه توسعه، همچنان در سایه عدم تعادل و توازن در توزیع امکانات باقی مانده است.

بنابراین، با اجرای پژوهش حاضر و توجه به نابرابری‌های منطقه‌ای در قالب رویکرد زیست‌پذیری از جمله مهم‌ترین ابزارهای برنامه‌ریزی به‌شمار می‌رود که از طریق آن برنامه‌ریزان و مدیران شهری قادر به ارزیابی نتایج اجرای برنامه‌ها

در بستر محدوده‌های جغرافیایی خواهند بود. این موضوع در صورتی که به‌طور منطقی و علمی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد، می‌تواند نقاط ضعف و قدرت برنامه‌ریزی را در بخش‌های مختلف به شکل بارز نمایان کند. بر این مبنا، ضرورت دارد در پژوهشی جامع به تحلیل نقش مدیریت شهری در زیست‌پذیری شهر کرد پرداخته شود. بر همین مبنا، در راستای بیان مسئله، سؤال اصلی این است که نقش مدیریت شهری در شکل‌گیری وضعیت زیست‌پذیری شهر کرد به چه صورت بوده است؟

## مبانی نظری

در زمینه موضوع پژوهش و اهمیت و جایگاه زیست‌پذیری شهری و بررسی‌های مختلف، پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: محمدی و بهرامی (۱۳۹۳) در تحقیقی به ارائه الگوی فضایی توسعه شهری بر مبنای اصول شهر زیست‌پذیر (نمونه موردی: منطقه ۲۲ تهران) اقدام کردند؛ نتایج بیانگر آن بود که برای زیست‌پذیرکردن منطقه باید با نگاهی به الگوهای بومی از تجارب جهانی به‌خوبی استفاده کرد و موارد مشابه به‌خوبی دریافت شده و باید بر مبنای آن به برنامه‌ریزی در راستای ایجاد یک منطقه زیست‌پذیر اقدام کرد. پری‌خواه زرمهر (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با نام «سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی مبتنی بر اصول زیست‌پذیری شهری نمونه موردی: منطقه ۸ شهرداری شیراز - محله موردستان» براساس روشی تحلیلی - کاربردی به این نتیجه دست یافتند که رضایت مطلوبی از مؤلفه‌های موردبررسی در محدوده مورد مطالعه وجود ندارد. ساسان پور و همکاران (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود با نام «بررسی زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار (مورد مطالعه: کلان‌شهر تهران)» با روش پژوهش توصیفی - تحلیلی با هدف کاربردی به این نتیجه دست یافت که زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران در هر سه بُعد اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی در حد متوسط به پایین ارزیابی شده است که با این روند کنونی به سمت توسعه پایدار پیش نخواهد رفت. حبیبی (۱۳۹۲) در مطالعه خود به بررسی عوامل مؤثر بر افول حس سرزندگی و زیست‌پذیری در بافت‌های تاریخی و فرسوده اقدام کرد که براساس آن به این نتیجه دست یافت که عوامل متعددی نظیر فرسودگی در ابنیه و کالبد و سیمای بافت، عدم برخورداری لازم از تأسیسات و زیرساخت‌ها و خدمات شهری مناسب با نیاز امروز و همچنین نبود زندگی اقتصادی مناسب بافت سبب افول سرزندگی و زیست‌پذیری و درنهایت فرسودگی بافت سنگ سیاه شیراز شده است. امین‌زاده گوهرریزی و روشن (۱۳۹۲) در پژوهشی با نام «ارائه روش سنجش تطبیقی زیست‌پذیری در محلات شهری با تأکید بر معیارهای برنامه‌ریزی کاربری زمین (نمونه موردی: شهر قزوین)» براساس روشی توصیفی - کتابخانه‌ای به این نتیجه دست یافتند که میزان دسترسی به کاربری‌های محلی، یک‌پارچگی کاربری و حمل‌ونقل، اختلاط کاربری‌ها، وجود فضاهای شهری فعال، فقدان اراضی بایر و متروکه به‌عنوان معیارهای زیست‌پذیری محله از طریق برنامه‌ریزی کاربری اراضی شناسایی شده‌اند. بدلد و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی زیست‌پذیری شهری: درس‌هایی از استرالیا برای کشف شاخص‌های اندازه‌گیری سلامت اجتماعی پرداختند؛ نتایج بیانگر آن است که یازده حوزه کلی در ارتباط با سلامت اجتماعی و رفاه مشخص شد و ارتباطشان با سلامت و رفاه تأیید شد که عبارت‌اند از: جرم و امنیت، آموزش، شغل و درآمد، سلامت و خدمات اجتماعی، مسکن، تفریح و فرهنگ، غذای محلی و دیگر کالاها، محیط طبیعی، فضای باز عمومی، حمل و نقل و انسجام اجتماعی و دموکراسی محلی. شمس‌الدین (۲۰۱۸) به بررسی زیست‌پذیری مرکز شهر کوالالامپور: ارزیابی سطح رضایت از فعالیت‌های خیابان پرداختند که نتایج نشان داد میان زیست‌پذیری و فعالیت‌های خیابان رابطه وجود دارد، اما ارتباط مشخصی میان مدت اقامت ساکنان خیابان‌ها با سطح رضایت آن‌ها نسبت به فعالیت‌های خیابانی وجود ندارد. نیوتن (۲۰۱۸) به ارزیابی زیست‌پذیری و پایداری چالش‌های

تکنیکی - اجتماعی شهرهای قرن بیستم اقدام کرد؛ نتایج بیانگر آن است که بسیاری از زیرساخت‌های اصلی شهر، که باعث زیست‌پذیری شهرهای استرالیا شده است، از منابع ناپایدار تأمین می‌شود و، به عبارتی، پایدار نیست. بون وان (۲۰۱۵) در طرح پژوهش خود با نام «ده اصل اساسی برای شهرهای قابل زیست با تراکم بالا (مطالعه موردی سنگاپور)»، ده اصل را برای شهرهای زیست‌پذیر بدین شرح معرفی می‌کند: اصل اول: برنامه‌ریزی برای بازسازی و رشد درازمدت؛ اصل دوم: پذیرفتن تنوع؛ اصل سوم: نزدیک کردن طبیعت به مردم؛ اصل چهارم: توسعه واحدهای همسایگی؛ اصل پنجم: ایجاد فضاهای عمومی؛ اصل ششم: ایجاد حمل‌ونقل و ساخت‌وساز متناسب (پیاده‌محوری)؛ اصل هفتم: تعدیل تراکم با تنوع‌گزینی و مرزهای سبز؛ اصل هشتم: فعال کردن فضاها برای امنیت بیشتر؛ اصل نهم: تقویت راه‌حل‌های نو و بومی؛ اصل دهم: تقویت اصل مشارکت با پیوند دولت، بخش خصوصی، و شهروندان. جیکوبز (۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی پرداخت؛ در بخشی از آن به سرزندگی و زیست‌پذیری شهری اشاره کرد و براساس آن به این نتیجه دست یافته که چهار شرط اصلی برای خلق تنوع بارور در خیابان‌ها و نواحی شهری و در نتیجه سرزندگی و زیست‌پذیری شهری لازم است: ۱. ترجیحاً محدوده دارای بیش از دو کارکرد اصلی باشد؛ ۲. غالب بلوک‌ها کوتاه باشند؛ ۳. منطقه ترکیبی از ساختمان‌هایی با سن و شرایط متفاوت باشد؛ ۴. تراکم فشرده کافی مردم، صرف‌نظر از علت حضورشان، وجود داشته باشد.

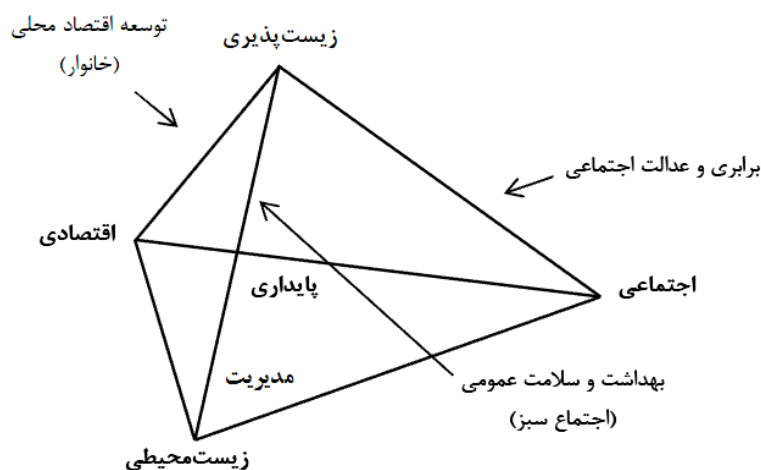
برای اولین بار در تاریخ بشریت اکثریت مردم جهان در مکان‌های شهری زندگی می‌کنند. علاوه بر این، در قرن حاضر، تعداد ساکنان شهری و فرایند شهری شدن در حال افزایش است (پاکیون، ۲۰۰۳: ۲۱). رشد سریع شهرها، به‌خصوص در شهرهای بزرگ، با ویژگی‌هایی چون تمرکز بالای جمعیت و حجم زیاد فعالیت‌های اقتصادی تأثیرات منفی در محیط شهری خواهد داشت (فدا و جیرون، ۱۹۹۹: ۳۳). بنابراین، کیفیت محیط شهری، به‌عنوان فضای زندگی مردم جهان، به‌عنوان موضوع اساسی، مورد توجه محققان دانشگاه، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان شهری، و شهروندان است (پاکیون، ۲۰۰۳: ۲۴). در دهه‌های اخیر موضوع کیفیت محیط شهری به بحثی تخصصی و عمومی در جامعه تبدیل شده است و توجه مردم از اهداف مادی به ماهیت زندگی در مجموعه‌های ناکارآمد شهری معطوف شده است. آنچه در این میان واضح است این است که همه مشکلات شهری یک مؤلفه کیفیت محیطی دارند. به عبارتی دیگر، بسیاری از مشکلات محیطی به‌سرعت به مشکلات شهری تبدیل خواهند شد (پورتیوس، ۱۹۷۱: ۱۵۵-۱۵۶). طرح مسئله بهبود و ارتقای کیفیت زندگی و کیفیت محیط شهری نمود گرایشی نوظهور در اوایل دهه ۱۹۶۰ در مواجهه با مسائل رشد و توسعه یک‌بُعدی بود. این گرایش، که به‌منظور پُررنگ‌تر کردن جایگاه عوامل اجتماعی - اقتصادی در زندگی انسان‌ها ظهور یافت، همراه سایر مفاهیم نوین اجتماعی مانند رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی، و عدالت محیطی در قلمرو برنامه‌ریزی به‌طور اعم و برنامه‌ریزی شهری به‌طور اخص مطرح شد (مهدی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰۳). در پرتو این ارزش‌ها برای سیاست‌گذاران وقت، روشن شد که فقط اکتفا به آمار و ارقام کاری بس عبث است و رفاه و آسایش انسان را چیزی بیش از این تعیین می‌کند. از آنجا که نمود واقعی این مسائل به‌وضوح در محیط‌های شهری پدیدار بود، ارتقای کیفیت محیط شهری یکی از ارکان اساسی در بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها به‌شمار آمد. به همین دلیل، به‌تدریج یکی از اهداف اساسی فرایند برنامه‌ریزی شهری قرار گرفت.

نگاهی به فرایند برنامه‌ریزی شهری کشور و تحقیقات انجام‌شده در این زمینه در چند دهه گذشته و نتایج عینی و ملموس آن نشان می‌دهد این طرح‌ها از پاسخ‌گویی به نیازهای کیفی در محیط‌های شهری بازمانده‌اند و عملاً به نتایج قابل قبولی دست نیافته‌اند (دیزخلیلی، ۱۳۸۵: ۱). کیفیت یکی از مفاهیم محوری دانش شهرسازی بوده که از اهمیت نظری و عملی فراوانی برخوردار است. گذشته از اهمیت نظری، به‌واسطه بحران کیفیت، که در حال حاضر محیط‌های

شهری در ایران با آن مواجه‌اند، مبحث کیفیت از نظر عملی نیز به بحث جدی بدل شده است. با توجه به اهمیت مسئله «کیفیت»، به نظر می‌رسد چنانچه برنامه‌ها و مداخلات کالبدی در شهرها، همچون گذشته، بدون توجه لازم به کیفیت محیط شهری در مراحل مختلف تصمیم‌گیری انجام پذیرد، تضمینی برای دستیابی به محیط‌های دارای کیفیت شهری مطلوب وجود نخواهد داشت (دیزخلیلی، ۱۳۸۵: ۲۵).

در عصر حاضر برنامه‌ریزی شهری دارای چهار هدف اساسی و اولیه به شرح زیر است (یوان دی پی، ۲۰۰۲): ارتقای تدارک کارای زیرساخت‌های شهری و تخصیص کاربری اراضی و در نتیجه همکاری در رشد اقتصادی؛ مدیریت توسعه فضایی با کاهش هزینه‌های زیرساخت‌ها؛ حفظ و بهبود کیفیت محیط شهری (مشمول بر کیفیت مسکن موجود)؛ اولویت به حفظ منابع طبیعی در بیرون از نواحی شهری (یا حومه شهر).

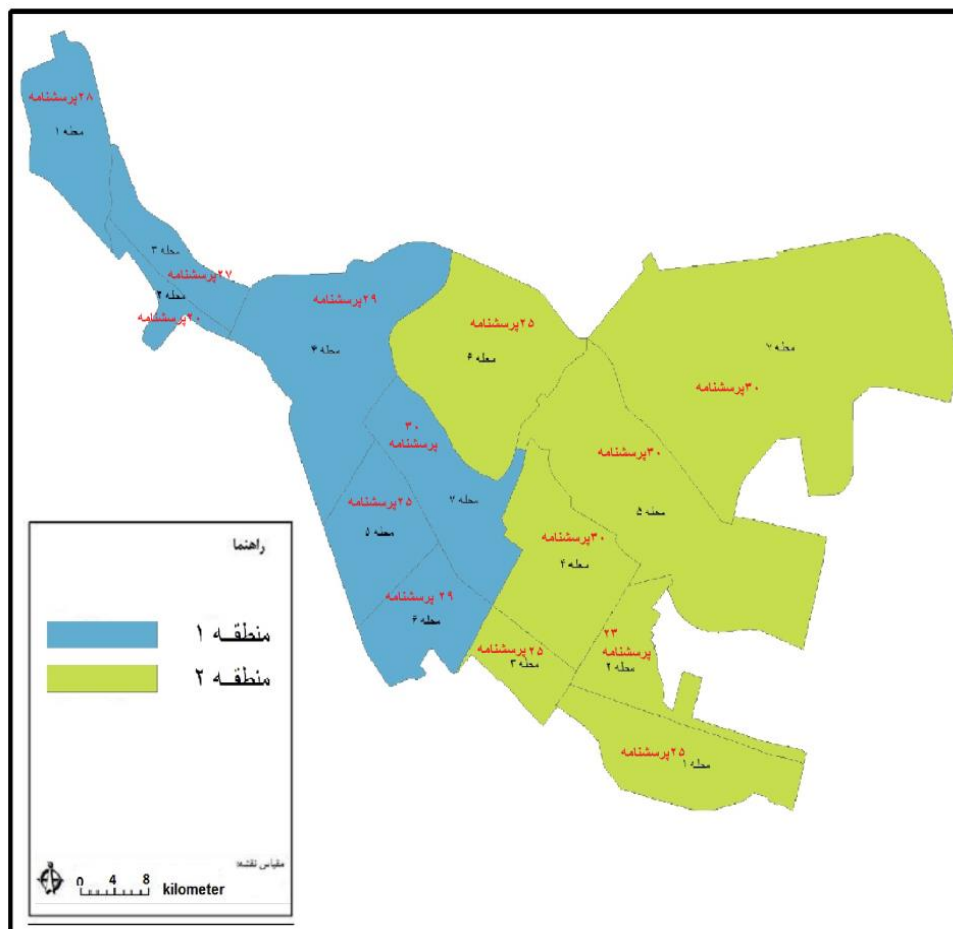
هرچند اهداف فوق ممکن است در بعضی اوقات مغایر همدیگر عمل کنند. برای مثال، تسهیل رشد اقتصادی ممکن است مستلزم پاک‌سازی زمین‌های بیشتری برای توسعه باشد. دستیابی به اهداف فوق به صورت هماهنگ و با استفاده از دیگر ابزارهای قانونی امکان‌پذیر است. بر این اساس، براساس نظریه کنوکس (۲۰۰۱)، می‌توان بیان کرد پایداری و زیست‌پذیری وابستگی متقابل میان ابعاد اجتماعی، اقتصادی، و زیست‌محیطی را به رسمیت شناخته‌اند (عیسی‌لو، ۱۳۹۰: ۱۰۴)؛ مدل مفهومی پژوهش در قالب شکل ۱ قابل ارائه است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق. منبع: عیسی‌لو، ۱۳۹۰: ۱۰۴

## روش پژوهش

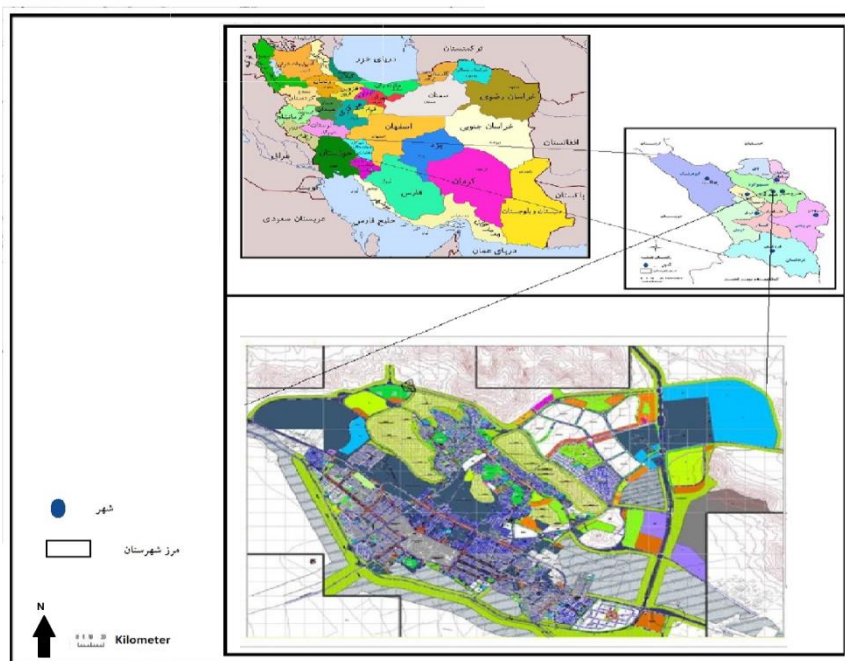
پژوهش حاضر از لحاظ هدف (نوع استفاده) پژوهشی کاربردی است. روش مورد استفاده در این تحقیق روش توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری مورد پژوهش در این تحقیق شامل ساکنان شهر شهرکرد است و محدوده آماری کل منطقه در بردارنده شهر شهرکرد است. تعداد جامعه آماری برابر با ۱۶۰۰۰۰ در نظر گرفته شده است. تعداد نمونه برابر ۳۸۳ نفر براساس فرمول کوکران و به شیوه تصادفی در دسترس تعیین شد که نقشه توزیع پرسش‌نامه‌ها براساس محلات مختلف در مناطق ۱ و ۲ شهرکرد در شکل ۲ فراهم شده است.



شکل ۲. موقعیت توزیع پرسش‌نامه‌ها در شهرکرد

ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه شامل ۸۵ سؤال است که در چهار بخش (اجتماعی، اقتصادی، و زیست‌محیطی) و مدیریت شهری هرکدام به ترتیب با تعداد ۳۱، ۲۴، ۱۶ و ۱۴ سؤال سنجش شد. روایی پرسش‌نامه صوری بوده که به تأیید پنج تن از استادان دانشگاه رسیده است و پایایی آن نیز براساس آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۳ تأیید شده است. داده‌های گردآوری شده براساس آزمون رگرسیون با نرم‌افزار spss تجزیه و تحلیل شد.

شهرکرد یکی از شهرهای مرکزی ایران و مرکز شهرستان شهرکرد و استان چهارمحال و بختیاری است. شهرکرد در ۹۷ کیلومتری جنوب غرب اصفهان قرار دارد. نام پیشین آن «دِه‌کُرد» بوده است که پس از تبدیل به شهر (در شهریور ۱۳۱۴ خورشیدی) به شهرکرد تغییر نام داده شده است. براساس آمار سال ۱۳۹۵ خورشیدی، جمعیت شهرکرد برابر با ۱۹۰،۴۴۱ نفر است. شهرکرد بین ۵۰ درجه و ۴۹ دقیقه و ۲۲ ثانیه تا ۵۰ درجه و ۵۳ دقیقه و ۴۴ ثانیه طول و ۳۲ درجه و ۱۸ دقیقه و ۲۲ ثانیه تا ۲۳ درجه و ۲۱ دقیقه و ۵۰ ثانیه عرض جغرافیایی و در ۹۷ کیلومتری جنوب غرب اصفهان قرار گرفته است. به لحاظ توپوگرافی، در بخش شمالی رشته‌کوه زاگرس قرار گرفته است. این شهر با ارتفاع بین ۲۰۵۰ تا ۲۳۱۰ متر از سطح دریا مرتفع‌ترین شهر ایران است و به همین دلیل به «بام ایران» معروف است. موقعیت منطقه مورد مطالعه در قالب شکل ۳ فراهم شده است.



شکل ۳. موقعیت شهر شهرکرد

### بحث و یافته‌ها

از ۳۸۳ نفر پرسش‌شونده ۳۶ درصد زن و حدود ۶۴ درصد مرد هستند. بالاترین درصد سنی پاسخ‌دهندگان متعلق به رده سنی ۳۱ تا ۴۰ سال با میزان ۳۳ درصد است و پس از آن گروه ۴۱ تا ۵۰ سال با میزان ۳۱ درصد ۲۰ تا ۳۰ سال با میزان ۲۵ درصد دارای بالاترین میزان‌اند. همچنین، بیشترین درصد میزان مدرک تحصیلی افراد تحصیلات لیسانس به میزان ۳۳ درصد بوده و دیپلم و زیر دیپلم به میزان ۳۰ درصد، سپس فوق دیپلم به میزان ۲۵ درصد و ۲۸ درصد مجرد و ۷۲ درصد متأهل.

برای بررسی فرض نرمال بودن متغیرهای مطالعه از آزمون کولموگراف-اسمیرونف یک‌نمونه‌ای (برای بررسی متغیرها به صورت تک‌تک) استفاده شده است. همچنین، برای بررسی فرض نرمال دو متغیره از آزمون شاپیرو ویلک (برای بررسی رابطه متغیرها به صورت دوجه دو) در بسته نرم افزار R استفاده شد. نتایج نشان‌دهنده آن است که فرض نرمال بودن برای همه متغیرها را نمی‌توان رد کرد ( $P > 0.05$ ). نتایج این آزمون در جدول ۱ و ۲ آورده شده است. با توجه به جدول ۱، مشاهده می‌شود کلیه متغیرها دارای فرض نرمال‌اند.

جدول ۱. نتایج آزمون کولموگراف-اسمیرونف برای بررسی پذیره نرمال بودن

متغیر	حجم نمونه	آماره آزمون	سطح معناداری	نرمال- غیرنرمال بودن	نتیجه
زیست‌پذیری شهری	۳۸۳	۰/۶۵۴	۰/۳۲۵	نرمال	تأیید
بُعد اجتماعی	۳۸۳	۰/۴۵۲	۰/۴۱۱	نرمال	تأیید
بُعد اقتصادی	۳۸۳	۰/۳۶۵	۰/۳۶۵	نرمال	تأیید
بُعد زیست‌محیطی	۳۸۳	۰/۴۷۵	۰/۲۴۵	نرمال	تأیید
مدیریت شهری	۳۸۳	۰/۳۶۵	۰/۳۱۱	نرمال	تأیید



جدول ۲. نتایج آزمون شاپیرو ویلک برای بررسی پذیرش نرمال دو متغیره

نتیجه	متغیر	حجم نمونه	آماره آزمون	سطح معناداری	نرمال - غیر نرمال بودن
تأیید	مدیریت شهری - زیست‌پذیری شهری	۳۸۳	۰/۳۵۴	۰/۲۵۷	نرمال
تأیید	مدیریت شهری - اجتماعی	۳۸۳	۰/۲۷۵	۰/۳۲۷	نرمال
تأیید	مدیریت شهری - اقتصادی	۳۸۳	۰/۳۴۷	۰/۲۷۸	نرمال
تأیید	مدیریت شهری - زیست‌محیطی	۳۸۳	۰/۲۳۴	۰/۳۲۴	نرمال

بر اساس جدول ۲، مشاهده می‌شود رابطه بین متغیرهای مختلف اثبات شده است و همگی دارای وضعیت نرمال اند و رابطه نرمالی ما بین همه متغیرها برقرار است.

برای بررسی تأثیر متغیر مدیریت شهری بر زیست‌پذیری و ابعاد آن با توجه به اینکه به بررسی تأثیر یک متغیر بر متغیر دیگر اشاره دارد، بهترین آزمون استفاده از رگرسیون گیری است.

#### ۱. بررسی تأثیر مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهری در شهرکرد

بر اساس جدول ۳، برای تعیین تأثیر مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهری به‌عنوان متغیر پیش‌بین و زیست‌پذیری شهری به‌عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. طبق جدول ۳، مدل معنی‌دار به‌دست نیامد ( $p < 0.06$ )،  $F = 8.314$  و  $R^2$  به‌دست‌آمده برابر ۰/۱۶۵ است که نشان‌ناچیز است. همچنین، نتایج آزمون پیرسون نشان داد سطح معناداری به‌دست‌آمده برای رابطه بیشتر از ۰/۰۵ بوده است. بنابراین، در سطح ۹۵ درصد معنادار نیست. یعنی بین مدیریت شهری و زیست‌پذیری شهری در شهرکرد رابطه معناداری وجود ندارد (جدول ۴).

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه تجزیه و تحلیل رگرسیون تأثیر مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهری در شهرکرد

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	$\beta$	$R^2$	سطح معناداری
رگرسیون	۲۳۵/۱۹۸	۱	۲۳۵/۱۹۸	۸/۳۱۴	۰/۱۴۵	۰/۱۶۵	۰/۰۶ <sup>b</sup>
باقی‌مانده	۵۲۱/۲۵۸	۳۸۱	۱/۳۶۸				
کل	۸۱۱/۶۶۵	۳۸۲					

متغیر وابسته: زیست‌پذیری شهری در شهرکرد  
پیش‌بین: مدیریت شهری

جدول ۴. نتیجه بررسی آزمون پیرسون

نتیجه	سطح معناداری	آماره پیرسون
رابطه معنادار نیست	۰/۱۶۵	۰/۱۷۳

بنابراین، مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهری در شهرکرد تأثیر نداشته است. بر این اساس، می‌توان بیان کرد مدیریت شهری در شهرکرد در زمینه زیست‌پذیری و بهبود کیفیت زندگی شهری اقدام اساسی و مؤثری انجام نداده است و در این زمینه با توجه به نتایجی که از کلیه شهرهای ایران نیز مشاهده می‌شود (پری‌خواه زرمهر، ۱۳۹۳؛ امین‌زاده گوهر ریزی و روشن، ۱۳۹۲) اغلب اقدامات مدیریت شهری در راستای کارهای عمرانی و فیزیکی و کالبدی شهر بوده است و در راستای زیست‌پذیری اقدام اساسی انجام نگرفته است.

## ۲. بررسی تأثیر مدیریت شهری بر بُعد اجتماعی زیست‌پذیری

بر اساس جدول ۵، برای تعیین تأثیر مدیریت شهری به‌عنوان متغیر پیش‌بین و بُعد اجتماعی زیست‌پذیری به‌عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. طبق جدول ۵، مدل معنی‌دار به‌دست آمد ( $F=18/475, p < 0/04$ ) و  $R^2$  به‌دست‌آمده برابر ۰/۲۴۱ است که نشان می‌دهد با یک واحد تغییر در متغیر مستقل ۰/۲۴۱ تغییر در متغیر وابسته ایجاد می‌شود. بنابراین، مدیریت شهری بر بُعد اجتماعی زیست‌پذیری شهری در شهرکرد تأثیر داشته است. البته، با توجه به میزان معناداری پایین، می‌توان گفت تأثیرگذاری مدیریت شهری بر بُعد اجتماعی زیست‌پذیری شهری چندان چشم‌گیر نبوده است. همچنین، بر اساس آزمون پیرسون مشاهده شد که سطح معناداری به‌دست‌آمده برای رابطه کمتر از ۰/۰۰۵ بوده. بنابراین، در سطح ۹۵ درصد معنادار است. یعنی بین مدیریت شهری و بُعد اجتماعی زیست‌پذیری رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، می‌توان گفت این رابطه از نوع مستقیم است. یعنی با مدیریت شهری بُعد اجتماعی زیست‌پذیری نیز افزایش می‌یابد (جدول ۶).

جدول ۵. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه تجزیه و تحلیل رگرسیون مدیریت شهری بر بُعد اجتماعی زیست‌پذیری

منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	$\beta$	$R^2$	سطح معناداری
رگرسیون	۳۶۵/۲۵۴	۱	۳۶۵/۲۵۴	۱۸/۴۷۵	۰/۱۹۶	۰/۲۴۱	<sup>b</sup> ۰/۰۴
باقی‌مانده	۲۴۵/۸۵۶	۳۸۱	۰/۶۴۵				
کل	۳۵۸/۸۴۵	۳۸۲					

متغیر وابسته: بُعد اجتماعی زیست‌پذیری

پیش‌بین: مدیریت شهری

جدول ۶. نتیجه بررسی آزمون پیرسون

آماره پیرسون	سطح معناداری	نتیجه
۰/۳۴۱	۰/۰۰۵	رابطه معنادار است

مدیریت شهری در شهر شهرکرد در مورد فعالیت‌های اجتماعی از جمله مبحث مشارکت‌پذیری، بهبود وضعیت رفاهی، و آگاهی مردم به‌خصوص در زمینه زیست‌پذیری دچار کاستی‌هایی است که باید به تقویت این امر پرداخت و از نتایج سایر کشورها و افراد مجرب در این زمینه بهره‌گیری کرد.

## ۳. بررسی تأثیر مدیریت شهری بر بُعد اقتصادی زیست‌پذیری

بر اساس جدول ۷، برای تعیین تأثیر مدیریت شهری به‌عنوان متغیر پیش‌بین و بُعد اقتصادی زیست‌پذیری به‌عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. طبق جدول ۷، مدل معنی‌دار به‌دست آمد ( $F=47/201, p < 0/000$ ) و  $R^2$  به‌دست‌آمده برابر ۰/۲۰۳ است که نشان می‌دهد با یک واحد تغییر در متغیر مستقل ۰/۲۰۳ تغییر در متغیر وابسته ایجاد می‌شود. همچنین، بر اساس آزمون پیرسون، مشاهده شد که سطح معناداری به‌دست‌آمده برای رابطه کمتر از ۰/۰۰۵ بوده و در سطح ۹۵ درصد معنادار است؛ یعنی بین مدیریت شهری و بُعد اقتصادی زیست‌پذیری رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، می‌توان گفت این رابطه از نوع مستقیم است؛ یعنی با افزایش مدیریت شهری بُعد اقتصادی زیست‌پذیری افزایش می‌یابد (جدول ۸).

جدول ۷. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه تجزیه و تحلیل رگرسیون مدیریت شهری بر بُعد اقتصادی زیست‌پذیری

منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	$\beta$	$R^2$	سطح معناداری
رگرسیون	۲۰۱,۶۵۴	۱	۲۰۱,۶۵۴	۴۷,۲۰۱	۰,۳۲۵	۰,۲۰۳	$b_{0,000}$
باقی‌مانده	۶۵۸,۳۲۵	۳۸۱	۱,۷۲۷				
کل	۹۶۵,۴۵۲	۳۸۲					

متغیر وابسته: بُعد اقتصادی زیست‌پذیری

پیش‌بین: مدیریت شهری

جدول ۸. نتیجه بررسی آزمون پیرسون

آماره پیرسون	سطح معناداری	نتیجه
۰,۴۹۶	۰/۰۰	رابطه معنادار است

بنابراین، مدیریت شهری بر بُعد اقتصادی زیست‌پذیری شهری تأثیر خوب و متناسبی داشته است. یکی از ابعاد توسعه پایدار در شهرها مبحث اقتصادی است که این امر باید در ارتباط با افزایش اشتغال و رفاه جامعه، افزایش درآمد شهری، و ... انجام گیرد که خوشبختانه اقدامات مدیریت شهری در این زمینه مفید بوده و توانسته است با ایجاد شهرک‌های صنعتی مختلف و توسعه اشتغال به بهبود وضعیت اقتصادی در شهرکرد منجر شود.

#### ۴. بررسی تأثیر مدیریت شهری بر بُعد زیست‌پذیری شهری

بر اساس جدول ۹، برای تعیین تأثیر مدیریت شهری به‌عنوان متغیر پیش‌بین و بُعد زیست‌پذیری شهری به‌عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. طبق جدول ۹، مدل معنی‌دار به‌دست نیامد ( $F=۶,۶۵۴$ ,  $p < ۰/۰۸$ ) و  $R^2$  به‌دست‌آمده برابر ۰/۱۱۱ است که مناسب نیست. بر این اساس، مدیریت شهری بر بُعد زیست‌محیطی زیست‌پذیری شهری در شهرکرد تأثیر نداشته است.

جدول ۹. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه تجزیه و تحلیل رگرسیون مدیریت شهری بر بُعد زیست‌محیطی زیست‌پذیری شهری

منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	$\beta$	$R^2$	سطح معناداری
رگرسیون	۶۵۴,۲۴۱	۱	۶۵۴,۲۴۱	۶,۶۵۴	۰,۲۰۱	۰,۱۱۱	$b_{0,008}$
باقی‌مانده	۳۲۵,۵۶۲	۳۸۱	۰,۸۵۴				
کل	۲۴۸,۱۰۰۲	۳۸۲					

متغیر وابسته: بُعد محیط زیستی زیست‌پذیری شهری

پیش‌بین: مدیریت شهری

همچنین، نتایج آزمون پیرسون نشان داد سطح معناداری به‌دست‌آمده برای رابطه بیشتر از ۰/۰۵ بوده است. بنابراین، در سطح ۹۵ درصد معنادار نیست. یعنی بین مدیریت شهری و بُعد محیط زیستی زیست‌پذیری شهری در شهرکرد رابطه معناداری وجود ندارد (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. نتیجه بررسی آزمون پیرسون

آماره پیرسون	سطح معناداری	نتیجه
۰,۱۸۴	۰/۱۷۵	رابطه معنادار نیست

محیط زیست در شهر یکی از اصول اساسی توسعه پایدار در شهرهاست که این امر در سطح شهرکرد و اغلب شهرهای ایران با نارسایی و کمبود مواجه است؛ یکی از علل اصلی در این زمینه نداشتن آگاهی‌های لازم درباره آن، عدم بهره‌گیری از افراد مجرب و متخصص، نبود برنامه‌ریزی جامع و منسجم از سوی مدیریت شهری در مبحث محیط زیست و ... در شهر شهرکرد است که متأسفانه مدیریت شهری در این زمینه موفق نبوده است.

### نتیجه‌گیری

براساس آنچه بررسی شد در بخش رگرسیون می‌توان بیان کرد که به‌طور کلی مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهری تأثیر ندارد و این نشان از آن دارد که مدیریت شهری به‌طور کلی در زمینه زیست‌پذیری شهری در شهرکرد اقدام متناسبی انجام نداده است. از طرفی، در سایر ابعاد زیست‌پذیری، مشاهده شد که مدیریت شهری بر شاخص اقتصادی تأثیرگذار بوده است که نشان‌دهنده اقدام مدیریت در بهبود وضعیت و متغیرهای اقتصادی است. از طرفی، مدیریت شهری بر شاخص اجتماعی نیز با میزان معناداری پایین تأثیرگذار بوده است و نشان از اقدامات نه‌چندان چشم‌گیر مدیریت شهری شهرکرد در بهبود وضعیت اجتماعی شهر دارد که البته باید در این زمینه اقدامات بیشتری انجام گیرد. همچنین، مدیریت شهری بر شاخص زیست‌محیطی تأثیرگذار نبوده است و این نشان از آن دارد که مدیریت شهری در راستای بهبود وضعیت زیست‌محیطی شهر اقدامات متناسبی انجام نداده است. همچنین، براساس آزمون پیرسون، در سطح اطمینان ۹۵ درصد مشاهده شد که به‌طور کلی میان مدیریت شهری و زیست‌پذیری شهر رابطه وجود ندارد. میان مدیریت شهری و شاخص اجتماعی و اقتصادی رابطه معنادار و میان مدیریت شهری و شاخص محیط زیستی رابطه معنادار وجود ندارد که نتایج مطابق با نتایج رگرسیون است.

نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش پری‌خواه زرمهر (۱۳۹۳)، با نام «سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی مبتنی بر اصول زیست‌پذیری شهری نمونه موردی: منطقه ۸ شهرداری شیراز- محله موردستان»، همسو است و به این نتیجه دست یافته‌اند که رضایت مطلوبی از مؤلفه‌های موردبررسی در محدوده مورد مطالعه وجود ندارد. همچنین، با نتایج پژوهش ساسان پور و همکاران (۱۳۹۳)، با نام «بررسی زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار مورد مطالعه: کلان‌شهر تهران»، همسو است و به این نتیجه دست یافته است که زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران در هر سه بُعد اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی در حد متوسط به پایین است و وضعیت اقتصادی در وضعیت بهتری قرار دارد. با روند کنونی، شهرها به سمت توسعه پایدار پیش نخواهد رفت. بر این اساس، می‌توان بیان کرد شاخص‌های زیست‌پذیری به‌طور کلی در وضعیت نامناسبی قرار دارد؛ شاخص اقتصادی در بهترین وضعیت و شاخص زیست‌پذیری در نامطلوب‌ترین وضعیت قرار دارد.

با توجه به این تفاسیر، به نظر می‌رسد الگوی فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی موجود در شهرهای کشور تا دستیابی به الگوی توسعه پایدار و زیست‌پذیری تفاوت زیادی دارد. بی‌توجهی به مسائل اجتماعی، منفعل بودن نهادها و سازمان‌های اجتماعی کشور در مقابله هجمه فرهنگی- اجتماعی بیگانگان، نبود برنامه‌ریزی جامع فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، و زیست‌محیطی تفاوت اساسی بین دیدگاه‌های نسل‌های مختلف کشور و همچنین تفاوت میان دیدگاه‌های حکومت و بخش‌هایی از جامعه و در گذار بودن فرهنگ جامعه از مهم‌ترین دلایل این موضوع است. همچنین، به نظر می‌رسد برای دستیابی به توسعه پایدار در زمینه زیست‌پذیری و نقش مدیریت شهری در این زمینه باید چشم‌اندازی مهم و جدید در مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی در شهر شهرکرد در عرصه فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، و زیست‌محیطی به‌وجود آید و تلاش شود تا به نحو روشن‌تری نتایج آینده رفتارهای کنونی فرهنگی و اجتماعی مورد

توجه قرار گیرد. بی‌توجهی به این امر نه تنها سبب‌ساز توسعه پایدار فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، و زیست‌محیطی نخواهد شد، بلکه در آینده استاندارد زندگی فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، و زیست‌محیطی در شهرهای کشور را بیشتر دست‌خوش تغییر قرار خواهد داد.

براساس نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

با توجه به نتایج پژوهش که بیانگر وضعیت نامطلوب شاخص‌های زیست‌محیطی در شهرکرد است، مدیریت شهری باید با بهره‌گیری از نتایج موفق سایر شهرهای داخلی و خارجی و توجه به شاخص‌های زیست‌پذیری در ابعاد مختلف خدماتی و مشاوره‌ای به بهبود وضعیت فضای سبز، سیستم متناسب دفع فاضلاب، تفکیک زباله، و ... اقدام کند.

سرمایه‌گذاری در آموزش حرفه‌ای و عالی در حوزه مسکن، ساخت‌وساز در نظام آموزش و پرورش در راستای آموزش کودکان و نوجوانان به‌عنوان میراث‌داران و سرمایه‌های آینده شهرکرد برای بهبود وضعیت شاخص‌های اجتماعی که نسبت به شاخص اقتصادی در وضعیت پایین‌تری قرار دارد.

ایجاد ساختار مدیریتی هماهنگ و یک‌پارچه در حوزه امنیت و جرائم به‌منظور کاهش آن‌ها و اثربخش بودن سیاست‌ها و مشروعیت‌بخشیدن به فرایند تصمیم‌گیری برای تقویت شاخص اجتماعی.

تقویت کارآفرینی نوآور برای نمایش پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی شهرکرد در ترکیب با فیلم، پویانمایی ورزش، و نمایشگاه‌ها در سطح شهر در جهت کاهش بی‌کاری برای تقویت بیشتر مؤلفه اقتصادی.

ایجاد فضاهای کودک‌محور با بازی‌ها خلاقانه و بهره‌گیری از افراد متخصص در این زمینه.

افزایش تسهیلات و خدمات و زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری (حمل‌ونقل، کارگاه‌های آموزشی، مراکز تفریحی و فرهنگی) متناسب با زیست‌پذیری و فضای شهری در محلات مختلف شهر.

تحقیقات پایه‌ای در جهت بهبود و ارتقای سطح کمی و کیفی زیست‌پذیری شهری در واکنش به پتانسیل‌های موجود آموزشی، بهداشتی، و محیطی مناسب.

تقویت ارتباط شهر با مجامع و سازمان‌های داخلی و بین‌المللی مرتبط با آموزش در سطوح مختلف به‌خصوص روش‌های نوین تدریس و آموزش بر مبنای فناوری‌های نوین.

ایجاد یک محیط شهری قوی و قابل‌اعتماد توأم با آزادی‌های فرهنگی و تفریحی بر مبنای شرایط فرهنگی-دینی.

## منابع

۱. امین‌زاده گوهرریزی، بهرام و روشن، مینا، ۱۳۹۲، ارائه روش سنجش تطبیقی زیست‌پذیری در محلات شهری با تأکید بر معیارهای برنامه‌ریزی کاربری زمین (نمونه موردی: شهر قزوین)، مجموعه مقالات اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان.
۲. بندرآباد، علیرضا، ۱۳۹۰، شهر زیست‌پذیر از مبانی تا معانی، تهران: انتشارات آذرخش.
۳. پری‌خواه زرمهر، ساره، ۱۳۹۳، سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی مبتنی بر اصول زیست‌پذیری شهری نمونه موردی: منطقه ۸ شهرداری شیراز - محله موردستان، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی نیارش شهر پایا.
۴. جعفری اسدآبادی، حمزه و عزیزی، اصغر، ۱۳۹۳، زیست‌پذیری و توسعه پایدار ضرورتی برای شهرهای امروزی، مجموعه مقالات کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.
۵. جیکوبز، جین، ۱۳۸۶، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. حبیبی، داود، ۱۳۹۲، بررسی عوامل مؤثر بر افول حس سرزندگی و زیست‌پذیری در بافت‌های تاریخی و فرسوده، مطالعه موردی: محله سنگ سیاه شیراز، فصل‌نامه علمی- پژوهشی شهر ایرانی- اسلامی، ش ۱۴، صص ۱۲-۳۶.
۷. دیزخلیلی، نسرين، ۱۳۸۵، ارتقای کیفیت محیط شهری در مرکز تاریخی شهرها با استفاده از رویکرد برنامه‌ریزی طراحی محور (نمونه موردی: شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۸. ساسان پور، فرزانه، تولایی، سیمین و جعفری اسدآبادی حمزه، ۱۳۹۳، قابلیت زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: کلانشهر تهران)، نشریه جغرافیا، دوره ۱۲، شماره ۴۲، صص ۱۵۷-۱۲۹.
۹. صادقلو، طاهره و سجاسی قیداری، حمداله، ۱۳۹۲، تبیین الگوی نظری نقش توسعه خدمات فضای سبز در زیست‌پذیری شهری، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی خدمات شهری و محیط زیست.
۱۰. عیسی‌لو، علی‌اصغر، ۱۳۹۰، گوناگونی کاربری‌ها و جایگاه آن در پایداری محلات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان.
۱۱. محمدی، محمد و بهرامی، صدیقه، ۱۳۹۳، ارائه الگوی فضایی توسعه شهری بر مبنای اصول شهر زیست‌پذیر (نمونه موردی: منطقه ۲۲ تهران)، مجموعه مقالات کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.
۱۲. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir).
۱۳. مهدی‌زاده، جواد، ۱۳۸۵، برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)، تهران: معاونت معماری و شهرسازی، وزارت مسکن و شهرسازی.
14. Aminzadeh Goharrezhi, B. and Roshan, R., 2013, Comparative Assessment of Habitability in urban neighborhoods, with emphasis on land use planning criteria (Case study: Qazvin city), *Proceedings of the first National Conference on Urbanism and Architecture over time*.
15. Badland, H., 2019, Urban Liveability: Emerging Lesson From Australian for exploring the potential for indicators to measure the social determinants of health, *Social Science and Medicine*, No. 111, PP. 64-73.
16. Bandar Abad, A., 2011, *The Living City of the Basis to Meanings*, Azarakhsh Publishing House of Tehran.
17. Bonvan, B., 2015, *Politics, markets and lifesatis faction: the Political economy of human happiness*, American Political science Review.
18. Dizkhalili, N., 2006, *Improving the quality of urban environment, at the historical center of cities, using a design-oriented planning approach (case study: Tehran city)*, Master thesis, University of Tehran.

19. Fadda, G. and Jiron, P., 1999, Quality of life and gender: a methodology for urban research, *Environment and Urbanization*, vol. 11, No. 2, PP. 31-95.
20. Habibi, D. 2013, Investigating factors affecting the decline of the sense of vitality and survival in historical and worn out tissues. Case study: Black Stone, Shiraz, *Journal of Iranian-Islamic Iran*, No. 14, PP. 12-36.
21. Iranian Statistics Center, 2011, www.amar.org.
22. Isalu, A., 2011, *Variety of Uses, and Its Position in the Sustainability of the Localities*, Master's Thesis for Urban Engineering, Faculty of Arts and Architecture, Kurdistan University.
23. Jacobs, J., 2007, *Death and Life of American Major Cities*, Translated by Hamid Reza Parsi and Arezoo Aflatuni, Tehran University Press.
24. Jafari Asadabadi, H. and Azizi, A., 2014, Sustainability and Sustainable Development, Necessity for Modern Cities, *Proceedings of the National Conference on Architecture and Sustainable Urban Landscape*.
25. Jiron, P.; Skevington, S. and Hudson, J., 2003, Predicting young children's quality of life, *Social science & Medicine*, No. 57.
26. Mahdizadeh, J. 2006, *Strategic Planning for Urban Development (Recent World Experiences and its Position in Iran)*, Department of Architecture and Urban Development, Ministry of Housing and Urban Development, Tehran.
27. Mohammadi, M. and Bahrami, S. 2014, The presentation of the spatial pattern of urban development, based on the principles of the habitable city (case study: Tehran 22nd area), *Proceedings of the National Conference on Architecture and Sustainable Urban Landscape*.
28. Newton, P., 2018, Liveable and Sustainable? Socio-Tecchnical Challenges for Twenty-First-Cntury Cities, *Journal of Urban Technology*, Vol. 19, PP. 81-102.
29. Pacione, M., 2003, Urban environmental quality and human wellbeing – a social geographical perspective, *Landscape and Urban Planning*, Vol. 65, PP. 19-30.
30. Parikh Zarmahr, S., 2014, Measurement of Satisfaction with Quality of Life, Based on the Principles of Urban Housing. Case Study: District 8 of Shiraz Municipality - Murdestan Nearesh, *Proceedings of the International Conference on Niaresh in Paya city*.
31. Portouse, J., 1971, Design with people: The Quality of the Urban Environment, *Environment and Behavior*, No. 14.
32. Sadeghloo, T. and Sajasy Qidar, H., 2013, Explaining theoretical model of the role of development of green space services, in urban Livability, *Proceedings of the first national conference on urban and environmental services*.
33. Shamsedin., P., 2018, The influence of neighbourhood characteristics on geographical differences in house prices in the Netherlands. Paper presented at European Network for Housing Research (ENHR) International Housing Conference, 29 June–3 July 2005, Reykjavik, Iceland. <http://www.borg.hi.is/enhr2005iceland/index>.
34. UNEP/MAP/PAP, 1999, *Conceptual Framework and Planning Guidelines for Integrated Coastal Area and River Basin Management*, Split: Priority Actions Program.
35. Wheeler, 2001, *Planning Sustainable and livability cities*, Stephen.